

سراپشت سرگذاشت و چگونه محبوبترین فرمانده نظامی ایران شد؟

پلک سرد

۱۱ دمشق

سال ۹۰ بود که اوضاع سوریه دگرگون شد. گروه‌های تروریستی در حال اشغال سوریه بودند و دست نیاز دمشق به سوی ایران دراز بود. حاج قاسم که تجربه موفق چند جنگ را پشت سرگذاشته بود، این بار راهی شام شد تا نگذارد محور مقاومت شکست بخورد. حاج قاسم با تیپ‌های فاطمیون و زینبیون و در کنار بسیجیان مدافع حرم به سوریه رفت و جنگ با تکفیری‌ها را شروع کرد. گروه‌هایی که از حمایت غرب برخوردار بودند، کم‌کم نام حاج قاسم به رسانه‌ها آمد.

۹ بیروت



تابستان ۸۵، رژیم صهیونیستی به لبنان حمله کرد. حاج قاسم به عنوان فرمانده نیروی قدس خیلی زود خود را به لبنان رساند تا از آنجا فرماندهی عملیات جبهه مقاومت را به عهده داشته باشد. او در کنار عماد مغنیه و سید حسن نصرالله، روزهای بسیار سختی را گذراند، اما در نهایت موفق شد بار دیگر اسرائیل و آمریکا را شکست دهد. این شکست باعث شد آوازه حاج قاسم در دنیا بیچد و دشمنان از او کینه پیدا کنند. با وجود این هنوز در فضای رسانه‌ای حرفی از قاسم سلیمانی زده نمی‌شد. حتی تصاویر از حاج قاسم بسیار محدود بود و به جز عده اندکی بقیه اغلب صدای او را هم نشنیده بودند. اسرائیل و آمریکا اما از همان زمان به دنبال ترور حاج قاسم بودند. دو سال بعد از این جنگ، عماد مغنیه در پلک انفجار تروریستی به شهادت رسید. اتفاقی که برای حاج قاسم بسیار دردناک بود.

۱۳ البوكمال



۷۲ ساعت درگیری مداوم با حضور و فرماندهی خود حاج قاسم باعث شد تا البوكمال آزاد شود و داعش آخرین پایگاهش را هم از دست بدهد. ۳۰ آبان ۹۶، حاج قاسم در نامه‌ای به رهبری پایان کار داعش را اعلام کرد. «حقیر به عنوان سرباز مکلف شده از جانب حضرت عالی در این میدان، با اتمام عملیات آزادسازی البوكمال آخرین قلعه داعش با پایین کشیدن پرچم این گروه آمریکایی-

صهیونیستی و برافراشتن پرچم سوریه، پایان سیطره این شجره خبیثه ملعونه را اعلام می‌کنم و به نمایندگی از کلیه فرماندهان و مجاهدین گمنام این صحنه و هزاران شهید و جانباز مدافع حرم ایرانی، عراقی، سوریه‌ای، لبنانی، افغانستانی و پاکستانی که برای دفاع از جان و نوامیس مسلمانان و مقدسات آنان جان خود را فدا کردند، این پیروزی بسیار بزرگ و سرنوشت‌ساز را به حضرت عالی و ملت بزرگوار ایران اسلامی و ملت‌های مظلوم عراق و سوریه و دیگر مسلمانان جهان تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم و پیشانی شکر را در مقابل پیشگاه خداوند قادر متعال به شکرانه این پیروزی بزرگ بر زمین می‌ساییم.»

۸ شلمچه



سال ۶۵ در عملیات کربلای ۵ هم فرمانده گردان غواص‌ها بود. باز هم پلک پیروزی دیگر در نبود فرماندهان شهیدی چون باقری، همت، باقری، متوسلیان و خیلی‌های دیگر، چشم امید جبهه‌ها به قاسم سلیمانی است. او در این سال‌ها چندین بار مجروح شد و تا پای شهادت رفت، قسمت اما چیز دیگری بود.

۱۲ بغداد



اوضاع در سوریه پیچیده بود و درگیری‌ها به شدت ادامه داشت. این وسط پلک دفعه خبر رسید داعش، موصل در شمال عراق را گرفته و در حال حرکت به سمت بغداد است. خلیفه داعشی در مسجد خطبه خوانده بود و داعش به طور رسمی اعلام وجود کرده بود. این یعنی باز شدن جبهه‌ای جدید در عراق. حاج قاسم با سازماندهی حشد الشعبی و نیروهای ایرانی به جنگ داعش در عراق رفت. از این به بعد سلیمانی یاد در سوریه بود یاد در عراق و کمتر در ایران دیده می‌شد. حالا همه دنیا از حاج قاسم می‌گفتند. جلد مجلات و روزنامه‌های داخلی و خارجی پر شد از عکس‌های او. ما تازه داشتیم با قهرمان گمنام این سال‌هایمان آشنا می‌شدیم.

۱۶ بغداد

دو سال پس از پایان کار داعش، همچنان عراق و سوریه درگیر منازعاتی هستند. حاج قاسم در تمام این دو سال مدام بین تهران، دمشق و بغداد در حال حرکت بود و تلاش می‌کرد اوضاع را آرام کند. آخرین بار عراق از او دعوت کرد تا به بغداد برود و درباره موضوعاتی با او مشورت کنند. این آخرین نقطه‌ای بود که حاج قاسم در آن نفس کشید. بغداد، شهری که جان سردار را گرفت و پس از ۳۹ سال جهاد، او را از ما ربود.

۵ اروندکنار

سال ۶۴ در عملیات والفجر ۸ فرمانده گردان غواص‌ها بود. این عملیات نهایتاً با رشادت همین غواص‌ها به پیروزی و فتح فاو منجر شد. روایت حال و هوای او در این عملیات هنوز هم خواندنی است؛ یادش بخیر یکی دو شب قبل از عملیات بود. حاج قاسم نیروهای عمل کننده و گردان‌های عملیاتی را برای آخرین وداع جمع کرده است؛ سخنانش را با کلام مولا شروع می‌کند «اعزای... جمجمتک... کاسه سرت را به خدا عازیت بسیار پای بر زمین می‌خکوب کن، به صفوف پایانی لشکر دشمن بنگر از فراوانی دشمن چشم پوش و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است...» در طول عملیات ذکر یا بی بی فاطمه الزهرا از زبانش نمی‌افتد؛ بارها به سجده می‌افتد و دعا می‌کند... در طول عملیات حواسش به مجروحان و پیکرهای شهدا هم هست «احمد جان! به بچه‌های تعاون سفارش کن مراقب شهدا باشند. نکته اوضاع تغییر کنه این بچه‌ها در منطقه دشمن جا بپنوند! به بچه‌های بهداری هم بگو از مجروحین خوب مراقبت کنند» (بخش‌هایی از خاطرات حاج حمید فراهانی، راوی جنگ و همراه حاج قاسم سلیمانی)



سراپشت سرگذاشت و به او اعتماد فرماندهان بود و عملیات را با نفعات «ا... اکبر» را بن عملیات ۱۴ روزه کل معجزه آسایی ت راستش خورد و قاسم سلیمانی به ثار... به خوبی بین

